

Descriptive Analysis of The Role of Police Performance on Social Security Strategy in Society

Kazem Reza Anvarolahi^{1✉}

1. Post doctoral Researcher in Law and Social Sciences, Eastern Mediterranean University (EMU), Cyprus
ank20794@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 17 December 2025
Accepted 4 January 2026
Available online 4 January 2026

Keywords:
Social Security
police
performance crime
prevention security
strategies public
participation

ABSTRACT

Social Security, as one of the main pillars of Sustainable Development, plays a significant role in the stability and progress of society. As the main body responsible for ensuring security, the police have a direct impact on social security strategies with their actions. This article examines the role of police performance in strengthening or weakening Social Security and analyzes effective strategies to improve this performance. In this regard, various dimensions of police performance include crime prevention, crime prevention, education and awareness, and cooperation with civil society institutions are examined. Also, the challenges facing the police in ensuring social security, including resource constraints, increased organized crime and the need to build trust with society, have been analyzed. Finally, solutions such as the use of new technologies, increasing public participation and continuous training of police forces are proposed to improve the performance of the institution. Emphasizing the importance of the role of police in Social Security, the article notes the need to pay attention to new and participatory strategies to address future security challenges.

Cite this article: Anvarolahi, K R. (2026). Descriptive analysis of the role of police performance on social security strategy in society, *Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences*, 1(1), 71-86



Publisher: Hamyar Jahed Publications..

جستاری توصیفی تحلیلی بر نقش عملکرد پلیس بر راهبرد امنیت اجتماعی در جامعه

کاظم رضا انوار الهی[✉]

۱. پژوهشگر پسادکتری حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه مدیترانه شرقی (EMU) کشور قبرس

ank20794@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

امنیت اجتماعی به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار، نقش بسزایی در ثبات و پیشرفت جامعه ایفا می کند. پلیس به عنوان نهاد اصلی مسئول تأمین امنیت، با عملکرد خود تأثیر مستقیمی بر راهبردهای امنیت اجتماعی دارد. این مقاله به بررسی نقش عملکرد پلیس در تقویت یا تضعیف امنیت اجتماعی می پردازد و راهبردهای مؤثر برای بهبود این عملکرد را تحلیل می کند. در این راستا، ابعاد مختلف عملکرد پلیس شامل پیشگیری از جرم، مقابله با جرائم، آموزش و آگاهی بخشی، و همکاری با نهادهای مدنی مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین، چالش های پیش روی پلیس در تأمین امنیت اجتماعی، از جمله محدودیت منابع، افزایش جرائم سازمان یافته و نیاز به اعتمادسازی با جامعه، تحلیل شده است. در نهایت، راهکارهایی نظیر استفاده از فناوری های نوین، افزایش مشارکت مردمی و آموزش مستمر نیروهای پلیس برای بهبود عملکرد این نهاد پیشنهاد می شود. این مقاله با تأکید بر اهمیت نقش پلیس در امنیت اجتماعی، ضرورت توجه به راهبردهای نوین و مشارکتی برای مقابله با چالش های امنیتی آینده را خاطرنشان می کند.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۹/۲۶

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۰/۱۴

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۰/۱۴

کلیدواژه ها:

امنیت اجتماعی،

عملکرد پلیس،

پیشگیری از جرم،

راهبردهای امنیتی،

مشارکت مردمی.

استناد: انوار الهی، کاظم رضا. (۱۴۰۴). جستاری توصیفی تحلیلی بر نقش عملکرد پلیس بر راهبرد امنیت اجتماعی در جامعه.. دو فصلنامه علمی پژوهشهای تطبیقی حقوق و علوم اجتماعی، (۱۱)،



ناشر: انتشارات همیار طنین جاهد با همکاری انجمن جرم شناسی

امنیت در لغت فارسی به ایمن شدن، در امان بودن و بی بیم بودن، اطمینان خاطر یافتن و برطرف شدن ترس و بیم معنا شده است. در دیدگاه سنتی امنیت صرفاً به معنای حصول شرایط فردی، گروهی و اجتماعی است که عاری از خشونت و پرخاشگری باشد. در دیدگاه مدرن و نوین امنیت هم ایمنی ناشی از فقدان خشونت را در بر می گیرد و هم مبتنی بر شرایطی است که انسان به لحاظ شغلی، خانوادگی، فکری و عقیدتی سیاسی، فرهنگی و مانند آن نیز در آسودگی یا رفاه و آسایش باشد. یکی از ابعاد بسیار مهم امنیت بعد اجتماعی آن است. منظور از امنیت اجتماعی آرامش و آسودگی خاطری است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود در زمینه های شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضایی ایجاد کند. بنابراین امنیت اجتماعی چینی نیست جز حالتی از آسودگی خاطر مردم از ترس، تهدید و اضطراب و مصون ماندن جان مال، ناموس، هویت و اعتقادات آنان از هرگونه تهدید تهدید و تعرض. به دلیل اهمیت روز افزون امنیت اجتماعی در جوامع امروزی، پژوهش و واکاوی بیشتر این پدیده و شناخت آن ضروری می نماید. (عباسی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱)

اینجاست که به امنیت اجتماعی می رسیم مفهومی جامع و حیاتی است که به تأمین ایمنی و آرامش جامعه و افراد آن اشاره دارد. امنیت اجتماعی نه تنها به حفظ جان و مال افراد مربوط می شود، بلکه شامل حفظ حقوق اساسی، اجتماعی و اقتصادی افراد و جامعه به طور کلی نیز می باشد. در واقع، امنیت اجتماعی همواره به عنوان یکی از اهداف اصلی هر جامعه و دولت مطرح بوده و تضمین آن، اساسی ترین وظیفه دولت نسبت به شهروندان است. امنیت اجتماعی به طور گسترده تر به حفظ نظم، استقرار قوانین عادلانه و پیشگیری از خشونت و جرم در جامعه می پردازد. فرآیندها و اقداماتی که به تحقق امنیت اجتماعی منجر می شوند، شامل ایجاد قوانین کیفری و مدنی، توسعه نظام قضایی قوی و عادلانه، پیشگیری از جرم و خشونت، حفظ نظم و ایجاد امکانات عمومی ایمن و سالم می باشند. در جامعه هایی که امنیت اجتماعی به خوبی تضمین شده است، افراد به طور کلی از حقوق و آزادی های خود بهره مند هستند و احساس اطمینان و آرامش در محیط زندگی خود را تجربه می کنند. در این جامعه ها، ارتکاب جرم و خشونت کاهش می یابد و افراد به آزادی از ترس و نگرانی های زیاد دست می یابند. امنیت اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که در آن افراد یک جامعه به طور کلی از خطرات و تهدیدهای مختلف در ابعاد مختلف زندگی خود در امان هستند و احساس امنیت می کنند. امنیت اجتماعی شامل محافظت از حقوق و آزادی های افراد، حفظ نظم و امنیت عمومی و ایجاد فرصت های مساوی برای همه اعضای جامعه و کاهش تفاوت های اجتماعی است. در اینجا با رویکرد توصیفی تحلیلی و بهره جستن از روش اسنادی در پی ارائه تصویری مروری از بر نقش عملکرد پلیس بر راهبرد امنیت اجتماعی هستیم.

۱. پیشینه پژوهشی

- مقاله با موضوع: احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن با تاکید بر نقش پلیس (مورد مطالعه: مناطق ۴ گانه حصار امام خمینی، شهرک ولیعصر، مزدقینه و خضر) به قلم: رویین تن که در آن تصریح دارد: پژوهش حاضر با هدف شناسایی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مناطق ۴ گانه حاشیه نشین (دیزج، حصار امام، خضر و مزدقینه) شهر همدان انجام پذیرفت. در این پژوهش، از روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی استفاده شده است.

- مقاله با موضوع: چشم انداز پلیس، امنیت و سرمایه اجتماعی به قلم: نوید نیا که در آن تصریح دارد: آنچه سازمان های پلیسی را به چالش می کشاند و موجبات بازنگری و تجدید نظر در امنیت بخشی می گردد، نحوه نگرش به امنیت و به دنبال آن، سازوکارهای امنیت در چشم انداز آینده است. به عبارت دیگر، حوزه امنیت مستثنی از سایر پدیده های اجتماعی و سیاسی نیست و به مرور زمان باید در جهت اهداف مطلوب دستخوش تغییر شود. از این رو، با حوزه معنایی امنیت قدیم و رویکردهای گذشته، نمی توان به تحقق امنیت برای جامعه آینده خوش بین بود و با سرمایه های اجتماعی گذشته به انجام امور جمعی آینده پرداخت. با عنایت به این رویکرد و با توجه به شرایط در حال گذار ایران، در مقاله حاضر، به امنیت مضیق و موسع به عنوان تبلور امنیت گذشته و آینده پرداخته و براساس آن، پلیس حد اکثری و حداقلی مورد مقایسه قرار گرفته است.

- مقاله با موضوع: رابطه نگرش نسبت به عملکرد پلیس و بی نظمی اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی به قلم: شایگان و... که در آن تصریح دارد: احساس امنیت از ملزومات اساسی توسعه پایدار و زمینه مناسبی برای تحقق امنیت عینی در جامعه است و این در حالی است که احساس روانی امنیت در بین افراد جامعه متفاوت بوده و عوامل زیادی بر آن تأثیر دارند و اقشار مختلف بنا بر توان و قابلیت های خود از این نظر با یکدیگر فرق دارند. یکی از اقشاری که به شدت تحت تأثیر عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت است، زنان و به ویژه دختران جوان هستند که به دلیل ویژگی های فیزیکی و روحی بسیار آسیب پذیرند.

مطالعه حاضر به بررسی رابطه دو عامل نگرش به عملکرد پلیس و بی نظمی اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی دانش آموزان دختر دبیرستانی شهرستان کرمانشاه پرداخته است. روش: این مطالعه از نوع پیمایشی است. ۲۸۶ دختر دبیرستانی شهر کرمانشاه به روش خوشه ای چند مرحله ای به صورت نمونه انتخاب شدند. داده ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته گردآوری و تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها و نتایج: نتایج این تحقیق نشان داد که احساس امنیت (دختران دبیرستانی در سطح پایینی قرار دارد. همچنین احساس امنیت مالی (۳۱/۵) بیشترین و احساس امنیت جانی (۱۲ درصد) کمترین رابطه را با احساس امنیت اجتماعی دارد.

۲. ضرورت حفظ نظم عمومی

نظم عمومی حاوی ارزش‌ها و منافع عالی مشترک است و یک منبع ماهوی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، در عالم حقوق موضوع تجلی نظم عمومی بین‌المللی را در قواعد آمره و «تعهدات در قبال همگان» ناشی از آن می‌بینیم. این اصطلاح، مولود انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) است. هر چند روح آن در حقوق قدیم روم وجود دارد. در مجموعه دیژست علی رغم آنکه واژه «نظم عمومی» صراحتاً نیامده است اما تعبیر «اخلاق حسنه» در این مجموعه، نقشی معادل نقش نظم عمومی ایفا می‌کرد. تا قرن چهاردهم، نظم عمومی محدود به نظم داخلی می‌شد. در قرن هیجدهم و با بروز انقلاب فرانسه، این اصطلاح برای نخستین بار در متون قانونی وارد شد. (ماده ۶ قانون ناپلئون)

هر چند به گفته برخی صاحب نظران، اصطلاح نظم عمومی در انگلستان، نیم قرن زودتر از فرانسه به کار رفت و در مورد استفاده قاضی لرد هایک قرار گرفت. اما در صحنه حقوق بین‌الملل، اسپر سن ایتالیایی در ۱۸۶۸ پرچمدار طرح بحث نظم عمومی بود. در علم حقوق، گاه با اصطلاحات و تعبیری روبرو می‌شویم که علی رغم نقش و کارکرد بسیار مهمی که دارند، از نوعی ابهام مفهومی برخوردارند و «نظم عمومی» یکی از آن‌هاست. این اصطلاح نه تنها در بسیاری از قوانین موضوعه کشورها تعریف نشده است، بلکه حقوقدانان را نیز در ارائه تعریفی جامع و روشن از آن به زحمت انداخته است و موفقیت این دسته، تنها به ارائه تعریفی کلی محدود شده است.

این دشواری، در مرحله تعیین مصادیق نظم عمومی نیز دیده می‌شود. نظم عمومی با ارکان تمدن و اخلاق حاکم بر یک جامعه ارتباط مستقیم داشته و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و این امر، درک همه جانبه نظم عمومی را بیش از پیش دشوار ساخته است. مفهوم نظم عمومی به دلایل زیر از ابهام برخوردار بوده و تعریف آن، دشوار به نظر می‌رسد: نظم عمومی، مسئله‌ای مرتبط با اخلاق، سیاست، اقتصاد و مبانی تمدن حاکم بر یک کشور است و از آنجا که این امور از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است، به تبع آن، مفهوم و مصادیق نظم عمومی نیز از کشوری به کشور دیگر، مختلف است. این نسبیت نه تنها نسبیت مکانی است بلکه نسبیت زمانی نیز هست بدین معنا که در یک کشور، مفهوم و مصداق نظم عمومی در هر دوره زمانی دگرگون می‌شود؛ بنابراین ضابطه مستقر و ثابتی برای شناخت این مفهوم در دست نیست.^۱

^۱. <https://h-edalat.ir>

نظم عمومی داخلی را می‌توان مجموعه قواعد آمره موجود در یک نظام حقوقی دانست که نمی‌توان با قرارداد خصوصی از آن عدول کرده و برخلاف آن، تراضی کرد. برای مثال در کشور ما، قواعد ناظر به اهلیت، شرایط اساسی صحت عقد، اکثر مسائل خانوادگی و مانند آن، آمره بوده و در زمره نظم عمومی ایران محسوب می‌شوند چرا که طرفین عقد نمی‌توانند برخلاف آن تراضی نمایند. برای تعیین قواعد آمره نباید محدود به قوانین موضوعه شد چرا که برخی مصادیق نظم عمومی را می‌توان در اخلاق حاکم به اجتماع (اخلاق حسنه) نیز یافت. اگر این استدلال را بپذیریم می‌توانیم بگوییم نظم عمومی داخلی هر کشور عبارت است از: «مجموعه قواعد آمره حاکم در آن کشور که در قوانین امری و اخلاق حسنه آن جامعه وجود دارد». نظم عمومی در این مفهوم اعم از اخلاق حسنه بوده و شامل نظم دولتی و اداری، نظم قضایی، نظم اقتصادی، نظم سیاسی، نظم در اهلیت و احوال شخصی نیز می‌شود. نظم عمومی از جمله مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در حوزه‌های مختلفی همچون فلسفه، حقوق، فقه و اسلام است که به عنوان بنیان و اساس یک جامعه عدالت محور از آن نام برده می‌شود. آن گونه که فقدان نظم غیر قابل پیش بینی شدن امور را با خود به همراه دارد. نظم عمومی به همراه مفاهیمی همچون نظام اجتماعی، حفظ نظام و صلح نیز به کار برده می‌شود. (دیلمی، ۱۴۰۱، ص ۱)

۳. مفهوم امنیت اجتماعی

مفهوم Societal Security (امنیت اجتماعی) برای اولین بار و به مفهوم فنی کلمه در سال ۱۹۹۳، توسط اندیشمندانی چون باری بوزان، آل ویور و لمیتر تحت عنوان مکتب کپنهاگ مطرح گردید. انگیزه طرح این عبارت امواج تهدید آمیزی بود که «هویت گروه‌ها» را در معرض خطر قرار داده بودند. بدین معنا که از یکسو با رشد فناوریهای نوین و مجتمع‌های صنعتی، هویت بعضی گروه‌ها در هویت‌های مسلط هضم می‌شد (مانند غیر اقتصادی و در نتیجه نابود شدن آموزش فرهنگ و زبان اوکراینی در روسیه یا پر هزینه بودن آموزش و پژوهش به زبان کردی در ترکیه) است.

از سوی دیگر می‌توان مدعی شد با گسترش مهاجرت از کشورهای فقیر و جهان سوم به کشورهای صنعتی و پیشرفته، نوعی آشفتگی و آنومی در تمایزهای هویتی پدیدار می‌گردید. (مانند اقامت و اشتغال سیاهپوستان آفریقایی تبار در فرانسه یا قاچاق کارگران به کشورهای اسکاندیناوی). بوزان و ویور و بعضی دیگر از محققان اروپایی در سال ۱۹۹۳ با تعریف آن به عنوان «دستور کاری جدید برای امنیت در اروپا» پیشگامان مبحثی در مطالعات راهبردی شدند که امروزه به موضوعی جذاب و مناقشه انگیز مبدل شده است

گفتنی است طرح مفهوم Societal به عنوان مبحثی امنیتی (Security) حاکی از وزن بالا و اهمیت والای آن مفهوم است. امنیتی دیدن (Securitization) یک مفهوم یا وضعیت (Situation) از اعتبار بسیار زیاد یک مفهوم یا وضعیت حکایت می‌کند. معمولاً موضوع عادی هنگامی امنیتی دیده می‌شود که یک یا چند مؤلفه از ارزشهای اساسی در معرض تهدید یا آسیب پذیری قرار گرفته باشد. از این رو به خاطر اینکه موضوع امنیت اجتماعی، ارزش‌های اساسی (که عبارتند از انسجام اجتماعی، تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی) را مورد مخاطره قرار می‌دهد و با آن ارزشها سرو کار می‌یابد، از اهمیتی فراگیر و مداوم برخوردار می‌باشد.^۱

در سال ۱۹۹۳ یعنی در پایان رقابت ایدئولوژیک شرق و غرب، مرکز ثقل رقابت از ایدئولوژی به تعلقات قومی و مذهبی سرایت کرد و همزیستی اقوام مختلف و رابطه گروههای مذهبی، دینی و قومی با دولت به عنوان یک معضل مطرح گردید. فعالان قومی در نقش رهبران رهایی بخش از یکسو و دولتهای مرکزی که به مشارکت سیاسی شهروندان احتیاج مبرم داشتند، از سوی دیگر، خواسته و ناخواسته سبب تولید متون قابل توجهی در زمینه امنیت اجتماعی شدند. سطح تحلیل این مفهوم نه دولت بود و نه یکایک شهروندان، بلکه افراد متشکل در قالب گروه که دغدغه حفظ هستی و خصایص خود را داشتند اصلی‌ترین موضوع امنیت اجتماعی شدند و تلاش گسترده‌ای در پردازش این رهیافت بین رشته‌ای (Interdisciplinary approach) آغاز گردید.^۲ تاکید بر این نکته همچنان ضروری است که امنیت اجتماعی به معنای Societal آن، به‌هر حال خاستگاه غربی داشته است، اما این خاستگاه مانع از توجه محققان کشورهای جهان سوم به رهاوردهای آن

۱. امنیت اجتماعی به عنوان یکی از حساس‌ترین و مهمترین نوع امنیت، از عناصر اساسی حیات انسانهاست. بدون شک هیچ عنصری برای پیشرفت و توسعه یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها، مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نمی‌باشد. امنیت دارای دو معنای ایجابی (یعنی وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت مردان و شهروندان) و سلبی (یعنی نبود ترس، اجبار و تهدید) می‌باشد. امنیت اجتماعی هم چون سایر پدیده‌ها و امور اجتماعی، دارای گونه‌های مختلفی است که از جمله آن‌ها می‌توان از امنیت شغلی، قضایی، سیاسی، اقتصادی و اداری نام برد. امروزه مفهوم امنیت از نظر صوری و ظاهری در اجتماع از معنی فقدان جرائم و آسیب‌ها فراتر رفته و شامل موارد و مصادیقی از نظر روحی، اخلاقی، بهداشتی، اقتصادی و همچنین دربرگیرنده ثبات و نظم واقعی و عقلانی در اجتماع شده است که از آن به امنیت اجتماعی تعبیر می‌شود. لذا می‌توان اظهار داشت که هر چه میزان توسعه یافتگی یک جامعه بیشتر باشد، ضریب امنیت اجتماعی نیز افزایش یابد و به موازات آن نرخ جرم، جنایت و آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد این جستار در صدد تحلیل جامعه شناختی نسبت امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش نرخ جرم و جنایت و آسیب‌های اجتماعی است. (محسنی، ۱۳۸۸، ص ۱)

۲. امنیت اجتماعی یکی از مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی و سیاسی است که به احساس امنیت و آرامش در میان گروه‌های اجتماعی اشاره دارد. این مفهوم به طور خاص تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که می‌تواند شامل تهدیدات علیه هویت گروه، فرهنگ و آداب و سنن آن‌ها باشد. امنیت اجتماعی نه تنها به حفاظت از هویت و جمعیت یک گروه مربوط می‌شود بلکه تأثیرات عمیقی بر کیفیت زندگی افراد و پایداری جامعه دارد. لذا توجه به این مفهوم در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نیست. به عقیده بوزان، اگر امکانات مقابله بیش از امکانات تهدید باشد، امنیت حاصل است، اما اگر تراکم، حجم و شدت تهدید بیش از امکانات مقابله باشد، آن تهدید موجب ناامنی خواهد بود. امنیت اجتماعی بر مبنای تجربیات زندگی اجتماعی هر فرد تعریف می‌شود. به عبارتی دیگر، امنیت اجتماعی تحت قواعد اخلاق‌گریزی و تجربی بنا می‌شود تا بدین وسیله بتواند غرایز زیستی و زیست‌اجتماعی را ارضا نماید. از این منظر کشمکش و مبارزه، ضرورتی تاریخی محسوب می‌شود که از بدو شکل اجتماع، همراه با اجتماع بوده است و ماهیت کشمکش نیز مبتنی بر اصل دفاع است. به عبارتی، اجتماع برای آزاد ساختن کنشگران، گروه‌ها و اجتماع از تهدید دیگران به بازاندیشی قواعد و منابع امنیت پرداخته که خود منشأیی برای ایجاد ناامنی است. (امانت؛ ۱۳۸۶)

۴. تحقق پیشگیری بر تقابل و مبارزه

پیشگیری از جرم به عنوان یک مفهوم کلیدی در حقوق جزا و سیاست جنایی، به معنای اتخاذ تدابیر و اقداماتی است که هدف آن جلوگیری از وقوع جرم و کاهش آسیب‌های اجتماعی است. این رویکرد به ویژه در نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله ایران، اهمیت ویژه‌ای دارد. قوانین می‌توانند با تعریف دقیق جرائم و مجازات‌ها، به پیشگیری از وقوع جرائم کمک کنند. نظام‌های قانونی باید قادر باشند تا با شناسایی رفتارهای ضد اجتماعی و مجرمانه، جامعه را آگاه سازند و با ایجاد فهرستی از جرائم و مجازات‌ها، به کاهش وقوع آن‌ها بپردازند. همچنین، همکاری بین دستگاه‌های قضایی، اجرایی و انتظامی نیز برای اجرای مؤثر این قوانین ضروری است. با وجود اهمیت پیشگیری از جرم، چالش‌هایی نیز وجود دارد. یکی از این چالش‌ها عدم وجود مرزبندی‌های واضح بین مفاهیم مرتبط با جرم و مجرم است که می‌تواند منجر به مشکلات قانونی و اجرایی شود. بنابراین، نیاز به تدوین قوانین روشن‌تر و ایجاد برنامه‌های نظارتی برای کنترل مجرمان خطرناک احساس می‌شود. پیشگیری از جرم نه تنها به کاهش میزان جرم کمک می‌کند بلکه می‌تواند بهبود کیفیت زندگی اجتماعی را نیز به ارمغان آورد. در این راستا، توجه به رویکردهای علمی و تجربی در زمینه پیشگیری از جرم امری ضروری است. در خصوص جرائم شهری نیز بدین گونه است.

یعنی جلوگیری و پیشگیری کردن از وقوع جرائم مقدم بر تمامی اقداماتی است که دولت و دستگاه‌های قضایی و انتظامی یک کشور طی سلسله اقداماتی پر هزینه انجام می‌دهند تا فرد مجرم را مجازات و تنبیه کنند. به طور کلی دو رویکرد پیشگیری از جرم در میان نظریه پردازان رایج است. رویکرد نخست، رویکرد غیرمکانی

¹. <https://www.ihcs.ac.ir/csss/fa/page/510>

است که به کاهش و یا از بین بردن انگیزه‌های شخصی ارتکاب جرم از طریق آموزش‌های اخلاقی، بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، وضع قوانین و جریمه اشاره دارد. این رویکرد در برخی منابع رویکرد اجتماعی نیز نامیده شده است. (سوری، ۱۳۸۸، ص ۳۱)

هدف اصلی در پیشگیری اعم از کیفری و غیر کیفری (اجتماعی)، تربیت و اصلاح فرد و جامعه است که در فرهنگ غنی و متون دینی ما بهترین روش برای مقابله با جرم و بهسازی جامعه، پیشگیری اجتماعی است که این نوع پیشگیری هم فردگرا و هم جامعه و نهاد گرا است. یعنی گاهی باید مجموعه اقدام‌ها و آموزش‌هایی را به فرد داد که در برابر ناهنجاری‌ها توانمند شود و خود را صیانت کند و گاهی هم باید نهادها و قوانین و مقررات و ... را درست کرد تا زمینه ارتکاب جرم کاهش یابد.

در قرآن کریم ۲۵۹ بار از مشتقات کلمه «تقوا» آمده است که معنای کلی تقوا، پیشگیری، صیانت و خودپایی است. در زبان عربی هر وسیله و چیزی که نقش پیشگیرانه را دارد از ریشه کلمه تقوا می‌سازند برای مثال به «پلیس پیشگیری» «الشرطه الوقائیة» می‌گویند که کلمه الوقائیة هم ریشه با کلمه تقوا است. پیشگیری از ارتکاب جرم به معنای پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن، که همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های حقوقی بوده، امروزه یکی از مهم‌ترین ارکان سیاست جنایی کشورها را تشکیل می‌دهد.

بی‌تردید در کنار دستگاه‌های قضایی و اجرایی و انتظامی بلکه مقدم بر آنها، دستگاه قانون‌گذاری با وضع قوانین کارآمد و مؤثر، به‌ویژه در ایران و کشورهای پیرو نظام حقوقی مدون، می‌تواند هم با جرم‌انگاری اعمال مجرمانه و تنظیم فهرستی از جرائم و مجازات‌ها و آگاه نمودن افراد جامعه نسبت به رفتارهای ضدا اجتماعی، در پیشگیری از جرائم تأثیر شایسته‌ای داشته باشد و هم با بسیج کردن و جهت دادن به دستگاه‌های قضایی و اجرایی از وقوع و شیوع آسیب‌های اجتماعی پیشگیری کند. امروزه پاشنه آشیل، گسترش فساد و ارتکاب جرائم و در نتیجه پیشامد آسیب‌های اجتماعی است که با گستره و دسترسی وسیع و آسان فضای مجازی تصاعد هندسی پیدا کرده آثار مخرب و ویرانگر آن بالاتر از حد تصور است. (حسینی، ۱۳۹۸، ص ۲۳)

۵. آموزش‌های به روز و توانمند سازی نیروهای پلیس

آموزش و توانمندسازی نیروهای پلیس یکی از مؤلفه‌های کلیدی در بهبود امنیت اجتماعی در جوامع مختلف است. این مقوله به‌ویژه در ایران، با توجه به چالش‌های اجتماعی و امنیتی موجود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدون تردید تجهیزات مدرن و فناوری‌های نوین نیز نقش مهمی در ارتقای امنیت اجتماعی ایفا می‌کنند. به عنوان مثال در نوع خود طرح تحول دانشگاه علوم انتظامی امین با توجه به سند چشم انداز آن، نیازهای روز سازمان، شرایط فعلی و آینده جامعه و تربیت پلیس حرفه ای و توانمند در انجام مأموریت تدوین و بخشی از آن اجرایی شد. (شایگان فر و دیگر همکاران، ۱۳۹۷، ص ۸۱) نوعاً مجهز کردن پلیس با تجهیزات پیشرفته، به‌ویژه در شرایط کنونی که فشارهای خارجی وجود دارد، می‌تواند به بهبود عملکرد پلیس و افزایش احساس امنیت در جامعه کمک شایان توجهی نماید.

آموزش‌های به‌روز و توانمندسازی نیروهای پلیس نه تنها موجب افزایش کارایی آن‌ها در انجام مأموریت‌ها می‌شود، بلکه با ایجاد احساس امنیت در جامعه، نقش بسزایی در کاهش جرائم و آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کند. این روند نیازمند توجه مستمر به کیفیت آموزش‌ها و تجهیزاتی است که برای پلیس فراهم می‌شود. اگر بخواهیم به صورت مصداقی صحبت کنیم براساس تحقیقات انجام شده مثلاً پلیس نقش معناداری در احساس امنیت زنان گردشگر دارد؛ در این زمینه حضور فیزیکی کارکنان پلیس در فضاهای گردشگری شهری، عملکرد کمی و کیفی پلیس در ارائه خدمات انتظامی به گردشگران، شیوه رفتار کارکنان پلیس، و امکانات پلیس در ایجاد نظم و امنیت در شهر تأثیر معناداری بر احساس امنیت زنان گردشگر دارد. یافته‌های پژوهش بیانگر مطلوب بودن نقش نیروی انتظامی در احساس امنیت گردشگران زن در شهر زنجان و همچنین وجود رابطه بین عملکرد نیروی انتظامی و ابعاد احساس امنیت گردشگری است. در بین مؤلفه‌های مربوط به عملکرد نیروی انتظامی، بیشترین اثرات مثبت بر احساس امنیت زنان گردشگر مربوط به مؤلفه «نحوه برخورد کارکنان پلیس» است. (توجه شود به: احمدی، ۱۳۹۸، ص ۱۹۳)

رویکردهای نوین به مقوله‌ی امنیت و تمرکز بر ایجاد و بازتولید آن در جامعه، لزوم افزایش تعامل پلیس با افراد جامعه، ارتباط با متولیان، زمامداران و سیاستگذاران پیشگیری را به منظور جلب مشارکت اجتماعی همکاری و هماهنگی در تأمین و ارتقاء سطح امنیت، امری اجتناب ناپذیر نموده است. به همین دلیل نیز سیاستها و راهبردهای پلیس در ارتقاء امنیت با گذشت زمان سیر تکاملی به خود گرفته است. این پژوهش یانگر نقش پلیس در ارتقاء امنیت اجتماعی و ساز و کارهایی است که می‌تواند علاوه بر توسعه‌ی پلیس جامعه محور، با استفاده از برنامه‌های مدون و بهره گیری از پتانسیل‌های موجود و افزایش ظرفیت‌های محلات، تعامل و مشارکت عمومی با سایر دستگاه‌ها را گسترش داده است.

در چنین وضعیتی پلیس خواهد توانست زمینه‌های افزایش نظارت عمومی در جامعه را فراهم آورده و به تبع آن، احساس امنیت اجتماعی را ارتقاء دهد. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است وقتی افراد جامعه و پلیس با یکدیگر همکاری کنند کیفیت زندگی در جامعه بهبود یافته و امنیت تقویت می‌شود. این رویکرد مبتنی بر این باور است که پلیس و جامعه در کنار یکدیگر می‌توانند کارهایی را انجام دهند که به تنهایی قادر به انجام آنها نخواهند بود. دستاورد اصلی پلیس در این رویکرد بالا بردن آرامش و رضایت شهروندان و ایجاد احساس امنیت در جامعه است به طوری که برقراری پایدار امنیت اجتماعی در سطح جامعه با مشارکت نهادهای اجتماعی از جمله خانواده‌ها تأمین می‌شود. (بنی اسدی، ۱۴۰۲، ص ۱)

در اجرای قانون، عدالت و انصاف باید همیشه در اولویت باشند. اگر مردم شاهد اجرای عادلانه قوانین باشند، حس امنیت آن‌ها افزایش می‌یابد و احساس می‌کنند که همه از حمایت قانونی برخوردار هستند. اجرای عادلانه و منصفانه قانون یکی از مهم‌ترین عوامل در افزایش حس امنیت و اعتماد عمومی به پلیس است. زمانی که مردم احساس کنند که قوانین به صورت عادلانه و بدون تبعیض اجرا می‌شوند، اعتمادشان به نهادهای امنیتی افزایش یافته و احساس امنیت بیشتری می‌کنند. مثلاً آگاهی‌بخشی به مردم و آموزش شیوه‌های پیشگیری از وقوع جرم یکی دیگر از عوامل مؤثر در ایجاد حس امنیت است. پلیس ایران با اجرای برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی به مردم کمک می‌کند تا خطرات و تهدیدات امنیتی را بهتر درک کنند و به جلوگیری از جرائم کمک کنند.

۶. همکاری و مشارکت اجتماعی

وجود امنیت باعث شکلگیری احساس امنیت اجتماعی در میان افراد جامعه می‌گردد و بدیهی است که یکی از متولیان اصلی تأمین آن، نیروی پلیس است که مستقیماً بر ایجاد امنیت و احساس امنیت بدون کوچکترین تردید نقش دارد. (اکبری، ۱۴۰۲، ص ۳۳۳) همینجاست که می‌توان گفت: توسعه فرهنگی و اجتماعی و فعالیت‌های ارزشمند در یک جامعه، بدون وجود امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود. (شریف پورو همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۳۹)

از اولین روزهای ظهور پلیس جامعه‌محور تاکنون این مفهوم در قالب دو عنصر اصلی یعنی مشارکت مردمی و حل مشکل تعریف شده است. اصول کلی و راهبردی پلیس جامعه‌محور به هیچ وجه معتقد نیست که افراد پلیس باید به مددکاران اجتماعی تبدیل شوند، بلکه برعکس معتقد است آنانی که قوانین کیفری را نقض می‌کنند باید به مجازات برسند. تعریف پلیس جامعه‌محور همان چیزی است که مردم و پلیس یک منطقه خاص به دنبال آن هستند. پلیس جامعه‌محور جوهره امور پلیس است.

پلیس جامعه‌محور مفهومی است که از بسیاری جنبه‌ها نیاز به تعریف دارد، اما گسترده‌ترین دامنه، جوهره و عصاره امور پلیس را شامل می‌شود و آن عبارت است از نوعی ارتباط بین عموم مردم و سازمان پلیس به عنوان نمایندگان مردم که موجب ارتقاء جامعه می‌شود. پلیس جامعه‌محور چیزی به مراتب فراتر از چینش پلیس در خیابانها، اعزام گشت پیاده یا گشت با دوچرخه است.

پلیس جامعه‌محور یک مکتب جامعه فکری، روش مدیریتی و راهبرد سازمانی است که همه عوامل پلیس را در بر می‌گیرد و شیوه‌های مؤثر حل مشکل و مشارکت پلیس و جامعه را ارتقاء می‌بخشد. پلیس جامعه‌محور، شیوه‌های جدید به کارگیری پلیس، تجدید حیات جامعه، حل مشکل، گرایش خدمتگزاری به مردم و کسب مشروعیت پلیس از طریق جلب اعتماد عمومی را داراست. رویکرد پلیس جامعه‌محور یک فلسفه است. این رویکرد مشارکت ضابطین قانون و جامعه را در شناسایی مشکلات و ریشه‌یابی آنان و پیدا کردن راه‌حل‌هایی که مشکل را به طور دائم از بین برده و یا کاهش می‌دهد، بر می‌انگیزد.

نیروهای پلیس از کلمه جامعه برای توصیف افرادی که به هر نحو دچار مشکلات خاص شده و به آنها می‌پردازند یا از برنامه‌های در دست اجرا در پاسخ به آن مشکلات، استفاده می‌کنند. جامعه گروهی از مردم ساکن یک محل و بحث یک حکومت، اشاره به یک گروه یا طبقه اجتماعی با منافع مشترک و در یک منطقه جغرافیایی که پلیس و سازمان‌های مختلف در آن خدمات ارائه می‌دهند، دچار مشکل خاصی هستند که پلیس به آنها می‌پردازد؛ دارای احساس یکپارچگی، تداعی‌کننده اندیشه‌های مثبت و منفی است و تداعی‌کننده گروهی از مردم با یک تاریخ مشترک، باورها و فهم‌های مشترک احساس خود هستند.^۱

مشارکت اجتماعی را در ساده‌ترین حالت، می‌توان میزان دخالت و یا همکاری اعضای نظام اجتماعی در فرآیند تصمیم‌گیری جمعی دانست. مردم تصمیم‌ها و نظرهای خود را از راه‌های گوناگونی مانند پیمایش، رفراندوم، عریضه و یا گردهمایی‌هایی اظهار می‌کنند که صرف نظر از نوع یا روش اظهار نظر آنان، هر نظام اجتماعی نیازمند این نوع صمیم‌های جمعی (مشارکت اجتماعی) اعضای خویش است. یافته‌های مختلف حاکی از آن است که میان مشارکت اعضای نظام اجتماعی و میزان رضایت‌مندی آنها رابطه مثبتی وجود دارد. بدین ترتیب، مشارکت اجتماعی، با توجه به اهمیت آن در فرآیند افزایش امنیت و احساس امنیت در جامعه و همچنین به واسطه ارتباط بنیادی آن با مفاهیم جامعه‌شناسی نظیر: انسجام و نظم اجتماعی، اعتماد، تعهد، رضایت‌مندی اجتماعی واجد بررسی و تبیین شناخته می‌شود سه دلیل برای مشارکت اجتماعی مردم در فرآیند تصمیم‌گیری اقامه شده است:

^۱. <https://geopolitical.com/print/post-16>

■ نخست اینکه، با مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها، اعضای جامعه در می‌یابند که بیشتر افراد نظام اجتماع مایل به پذیرش تصمیم‌ها هستند. این مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، ضمن این که فرد را از میزان تعهد و توافق گروه آگاه کرده و بر اعتماد آن نیز می‌افزاید، وابستگی وی را به گروهی که در آن مشارکت دارد، بیشتر می‌کند. اگر فرد از پشتیبانی افراد دیگر در مورد تصمیم‌های متخذه آگاه باشد، احتمال رضایت‌مندی وی بیشتر خواهد شد.

■ دوم اینکه، تصمیم‌گیری برای رد یا پذیرش یک طرح اجتماعی مرتبط با نیازهای اجتماعی، زمانی موفق خواهد بود که اعضای اجتماع در اخذ تصمیم‌های قبلی و فعلی سهیم بوده باشند. در بیشتر موارد انتظار می‌رود که اعضای نظام اجتماعی، بهتر از مأموران و مسئولان طرح‌های اجتماعی، توان شناخت نیازهای اجتماعی خود را داشته باشند.

■ سوم اینکه، مشارکت گسترده کنش‌گران اجتماعی علاوه بر آن که به رهبران افکار و مسئولان امنیتی و انتظامی این فرصت را می‌دهد تا نقش عمده‌تری در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند، پایداری و اصرار آنان را در اجرای تصمیمات جمعی بیشتر کرده و رضایت‌مندی گروه‌های درگیر در مشارکت اجتماعی را افزایش خواهد داد. (رجوع شود به: منبع پیشین)

اگر پلیس جامعه‌محور بتواند شهروندان را در فرآیند تصمیم‌گیری‌های امنیتی دخالت دهد هر چند که میزان و چگونگی دخالت مردم در امور امنیتی همچنان بحث برانگیز است - نه تنها میزان احساس، تفکر و عمل کنشگران اجتماعی به سوی پلیس تغییر می‌کند بلکه این تغییر در طول زمان تداوم بیشتری نیز خواهد یافت.

۷. استفاده از فناوری‌های نوین

امروزه استفاده از فناوری‌های نوین و فناوری اطلاعات، پلیس را دستخوش تغییرات اساسی قرار داده است. به همین دلیل رویکرد پلیس، رویکردی علمی و دانش‌محور می‌باشد. (لک و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۳۱) پلیس از طریق حضور فعال در جامعه، تعامل نزدیک با مردم، استفاده از فناوری‌های نوین، اجرای عادلانه قوانین و آموزش‌های پیشگیرانه، توانسته است نقشی کلیدی در تقویت حس امنیت عمومی ایفا کند. اعتماد مردم به نیروهای پلیس، حاصل این تعاملات و تلاش‌هاست که نه تنها به کاهش جرائم کمک می‌کند، بلکه احساس آرامش و امنیت را در جامعه تقویت می‌کند. این اقدامات، پلیس را از یک نهاد صرفاً قانونی به یک حامی واقعی امنیت و اعتماد در جامعه تبدیل کرده است. به صورت مصداقی اگر بحث شود یکی از اولویت‌های پلیس ایران، به‌کارگیری فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و رباتیک است.

مثلاً استفاده از هوش مصنوعی در شناسایی تخلفات و مدیریت ترافیک ضروری است و این فناوری‌ها باید بیشتر مورد استفاده قرار گیرند. در قالب مثال دیگر پلیس می‌تواند از طریق برنامه‌های تلفن همراه با جامعه ارتباط برقرار کند و اطلاعات مورد نیاز را به سرعت منتشر کند.

استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند نقش بسیار مهمی در افزایش امنیت اجتماعی و کاهش جرم داشته باشد. با این حال، لازم است که این فناوری‌ها با ملاحظات اخلاقی و حقوق بشر همراه باشند تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود. امروزه استفاده از فناوری‌های نوین و فناوری اطلاعات، پلیس را دستخوش تغییرات اساسی قرار داده است. به همین دلیل رویکرد پلیس، رویکردی علمی و دانش محور می‌باشد. در حقیقت گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در رشد و توسعه هر جامعه و ارتقا توانمندسازی سازمان‌ها، از جمله پلیس نقشی انکارناپذیر دارد. (لک و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۳۱) نوعاً باید چنین باشد که آثار مثبت استفاده از فن آوری‌های نوین می‌تواند بر نحوه عملکرد نیروهای پلیس در جامعه تاثیرگذار باشد و از مأموریت‌های نیروی انتظامی در حوزه‌های گوناگون پشتیبانی کند. (حسینی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۷۱)

شبکه جهانی اینترنت، فضای مجازی و توسعه فناوری اطلاعات با تمامی امکانات و کاربردها، خدمت رسانی و جذابیت‌های آن، همانند سایر فناوری‌ها دارای مشکلات، معضلات، سوء رفتار و ناهنجاری‌های خاص خود می‌باشد. این فضا هویت نامشخص و پیوسته متحولی را می‌آفریند و بیشترین تأثیر آن برای نسلی است که در مقایسه با نسل قبل با محرک‌های فراوانی مواجه است.

عدم آگاهی کامل کاربران فناوری اطلاعات باعث بروز مشکلات و عواقب ناشی از نا آگاهی‌ها و ایجاد مشکلات هویتی و اجتماعی در کودکان و سوء استفاده‌های سودجویانه توسط برخی افراد شیاد از آن‌ها خواهد شد. همچنین غفلت کارشناسان و مسئولین در آموزش و بی توجهی به تهدیدات فضای مجازی باعث انحراف و اغفال کاربران این فناوری خواهد شد. دنیای سایبر این امکان را برای سودجویان و شیادان فراهم می‌سازد تا با ارسال و دریافت سریع اطلاعات شخصی افراد و با پردازش دقیق این اطلاعات توسط کامپیوترهای مدرن، نسبت به امنیت اجتماعی و سلامت روحی و روانی و حتی جسمی کاربران در فضای مجازی اقدام نمایند. (فروغی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵)

فناوری اطلاعات با سرعت شگفت انگیزی تمامی ارکان حیات بشری از جمله مقوله‌ی نظم و امنیت و آرامش عمومی را دستخوش تحولات و دگرگونی‌های اساسی نموده است. همزمان با تحولات قرن بیستم و فرایند جهانی شدن، در عصر حاضر، تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات، امکان ظهور جامعه شبکه‌ای را فراهم آورده است که تعاریف جدیدی از هویت‌ها وجوامع انسانی عرضه می‌کند.

جهان جدید به صورت شبکه‌ای در آمده که بافت اصلی آن را اطلاعات و نظام ارتباطات الکترونیک تشکیل می‌دهد. درپس این جامعه شبکه‌ای، تغییر ماهیت مراودات اجتماعی به شکل جوامع مجازی و معاشرت‌های الکترونیکی از طریق متون الکترونیک و سیستم چند رسانه‌ای به عنوان محیط نمادین پدید آمده است که باعث پیدایش نوعی ناامنی اجتماعی و جرائم و بزهکاری‌های جدید در فضاهای مجازی شده است. (احمدوند و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱)

نتیجه گیری

در علم حقوق، گاه با اصطلاحات و تعبیری روبرو می‌شویم که علی رغم نقش و کارکرد بسیار مهمی که دارند، از نوعی ابهام مفهومی برخوردارند و «نظم عمومی» یکی از آنهاست. این اصطلاح نه تنها در بسیاری از قوانین موضوعه کشورها تعریف نشده است، بلکه حقوقدانان را نیز در ارائه تعریفی جامع و روشن از آن به زحمت انداخته است و موفقیت این دسته، تنها به ارائه تعریفی کلی محدود شده است. این دشواری، در مرحله تعیین مصادیق نظم عمومی نیز دیده می‌شود. نظم عمومی با ارکان تمدن و اخلاق حاکم بر یک جامعه ارتباط مستقیم داشته و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است.

این امر، درک همه جانبه نظم عمومی را بیش از پیش دشوار ساخته است. مفهوم نظم عمومی به دلایل زیر از ابهام برخوردار بوده و تعریف آن، دشوار به نظر می‌رسد: نظم عمومی، مسئله‌ای مرتبط با اخلاق، سیاست، اقتصاد و مبانی تمدن حاکم بر یک کشور است و از آنجا که این امور از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است، به تبع آن، مفهوم و مصادیق نظم عمومی نیز از کشوری به کشور دیگر، مختلف است.

در اینجاست که در بعد داخلی نقش پلیس برای بهبود امنیت اجتماعی بسیار محوری‌تر نمود پیدا می‌کند. عملکرد پلیس به عنوان یکی از ارکان اصلی حفظ امنیت اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد و تقویت احساس امنیت در جامعه دارد. این مطالعه نشان می‌دهد که راهبردهای امنیت اجتماعی به‌طور مستقیم تحت تأثیر نحوه عملکرد پلیس قرار می‌گیرد.

پلیس با اجرای قوانین، پیشگیری از جرم، پاسخگویی به موقع به حوادث و تعامل مثبت با شهروندان، می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی کمک نماید. همچنین، این پژوهش بر اهمیت رویکردهای پیشگیرانه و مشارکتی پلیس تأکید می‌کند. استفاده از فناوری‌های نوین، آموزش مستند پرسنل و همکاری با نهادهای مدنی و محلی از جمله عواملی هستند که می‌توانند عملکرد پلیس را در راستای تحقق امنیت اجتماعی بهبود بخشند. در عین حال، شفافیت در عملکرد و پاسخگویی پلیس به جامعه نیز از جمله الزامات اساسی برای جلب اعتماد عمومی و افزایش اثربخشی راهبردهای امنیتی است.

در نهایت، می‌توان گفت که عملکرد مطلوب پلیس نه تنها به کاهش جرائم و ناهنجاری‌ها منجر می‌شود، بلکه به ایجاد محیطی امن و پایدار برای توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه کمک می‌کند. بنابراین، تقویت نقش پلیس در راهبردهای امنیت اجتماعی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، تخصیص منابع کافی و مشارکت فعال تمامی بخش‌های جامعه است. به نظر گسترش سیاست جنایی مشارکتی قضایی و تعمیم آن در سیاست جنایی اجرایی در قالب اقدامات ضابطین همان پلیس می‌تواند نقش قابل توجهی در بهبود امنیت اجتماعی داشته باشد. برآیند های پژوهشی می‌تواند به شرح ذیل باشد: به عنوان مثال تمرکز بر آموزش‌های تخصصی پلیس در حوزه‌های نوین مانند امنیت سایبری و مدیریت بحران، همراه با افزایش شفافیت و تعامل مستقیم با جامعه، می‌تواند به تقویت امنیت اجتماعی و ارتقای اعتماد عمومی منجر شود.

فهرست منابع و مآخذ

- احمدوند، علی محمد و عطایی، امیرمسعود، (۱۳۸۵)، نقش فناوری اطلاعات (IT) در سیستم پلیس و فضاهای مجازی جرائم با رویکردی راهبردی، چاپ شده در مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین المللی مدیریت فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران، <https://civilica.com/doc/21888>
- احمدی، منیژه، و خوند، کبری. (۱۳۹۸). نقش نیروی انتظامی در احساس امنیت زنان گردشگر (مطالعه موردی: شهر زنجان). پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۷(۲) (پیاپی ۱۳)
- اکبری ا. (۱۴۰۲). بررسی نقش نگرش مردم به پلیس در احساس امنیت اجتماعی آنها (مطالعه موردی شهروندان شهر کرمانشاه). مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران، ۲(۴).
- امانت، حمیدرضا. (۱۳۸۶). امنیت اجتماعی. فصلنامه علمی راهبرد، ۱۵(۳)،
- بختیاری، لطفعلی، شایگان، فریبا، و رجبی فرجاد، حاجیه. (۱۳۹۷). رضایت سنجی ذینفعان دانشگاه و ناجا از طرح های تحولی دانشگاه علوم انتظامی امین. مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۶(۳).
- بنی اسدی، زینب. (۱۴۰۲). نقش پلیس در ارتقاء امنیت اجتماعی و سازو کارهای حاکم بر آن. فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین، ۷(۱۶).
- حسینی، سید ابراهیم. (۱۳۹۸). نقش قوانین در پیشگیری از جرم‌ها و آسیب‌های اجتماعی. دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، ۱(۲)،
- حسینی، سیدحسین، و حضرتی، محمود. (۱۳۹۰). ارزیابی مولفه های آمادگی الکترونیکی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه توسعه انسانی پلیس، ۸(۳۸).

- دیلمی، احمد و قارلقی، صدیقه، (۱۴۰۱)، مفهوم و مبانی نظم عمومی از منظر فلسفه غرب و اسلام، دومین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، شیراز، <https://civilica.com/doc/1511410>
- سوری، الهام. (۱۳۸۸). مروری بر مناقشات نظری پیرامون امنیت و روش‌های پیشگیری از جرم. فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۲(۲).
- شریف پور، حسین ، اصانلو، علی . (۱۴۰۳). تاثیر کارکردهای فرهنگی و اجتماعی پلیس در مدیریت انتظامی مناطق ساحلی و امنیت گردشگران. برنامه ریزی و توسعه گردشگری، ۱۳(۴۹).
- عباسی، فرید و صولتی، جلیل و دهانی، ادهم، (۱۴۰۱)، بررسی مفهوم امنیت اجتماعی، هجدهمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی، بابل، <https://civilica.com/doc/1618165>
- فروغی، شقایق و آجودانی، علی، (۱۳۹۰)، آسیب شناسی توسعه فناوری اطلاعات با رویکرد انتظامی و پلیسی، فصلنامه دانش انتظامی استان سمنان، ۲(۱).
- لک، بهزاد، و جوادیان، رضا. (۱۳۹۰). تاثیر زیرساخت های فناوری اطلاعات در توانمندسازی کارکنان پلیس. توسعه مدیریت و منابع انسانی و پشتیبانی، ۶(۱۹).
- لک، بهزاد، و جوادیان، رضا. (۱۳۹۰). تأثیر زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در توانمندسازی کارکنان پلیس. توسعه مدیریت و منابع انسانی و پشتیبانی، ۶(۱۹).
- محسنی، رضا علی. (۱۳۸۸). تحلیل جامعه شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۲(۴).